

وزارت دادگستری

تاریخ: ۱۳۹۸/۰۳/۱۱

شماره: ۵۷۷۹

ضمیمه: دارد

هیأت داورى

موضوع ماده ۳۰

قانون اجرای سیاستهای کلی

اصل ۴۴ قانون اساسی

جناب آقای حسینی

عضو محترم هیأت عامل و معاون نظارت، امور حقوقی و قراردادهای

سازمان خصوصی سازی

به نشانی: شهرک قدس، خیابان خوردین، خیابان ایران زمین، خیابان مهستان،

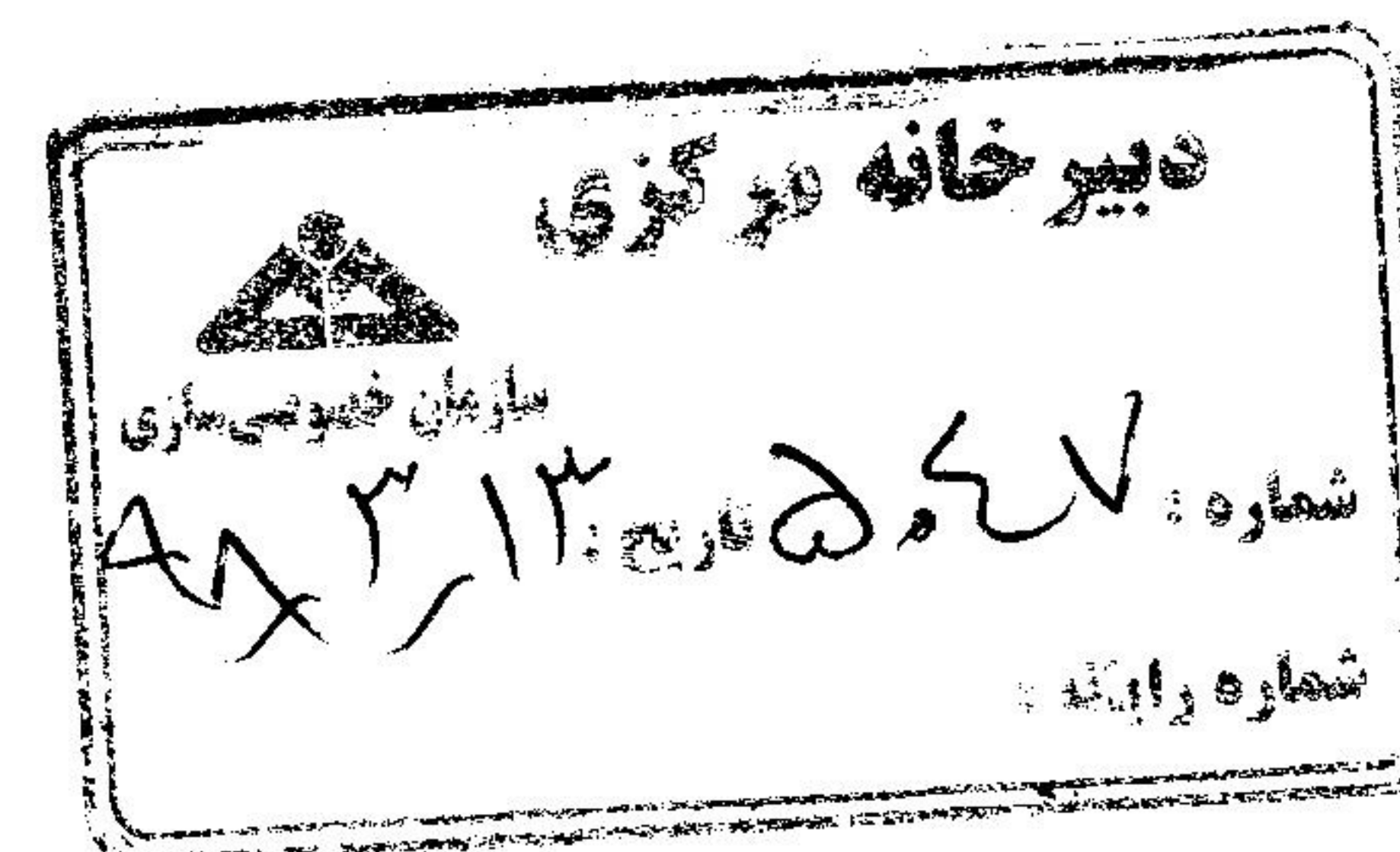
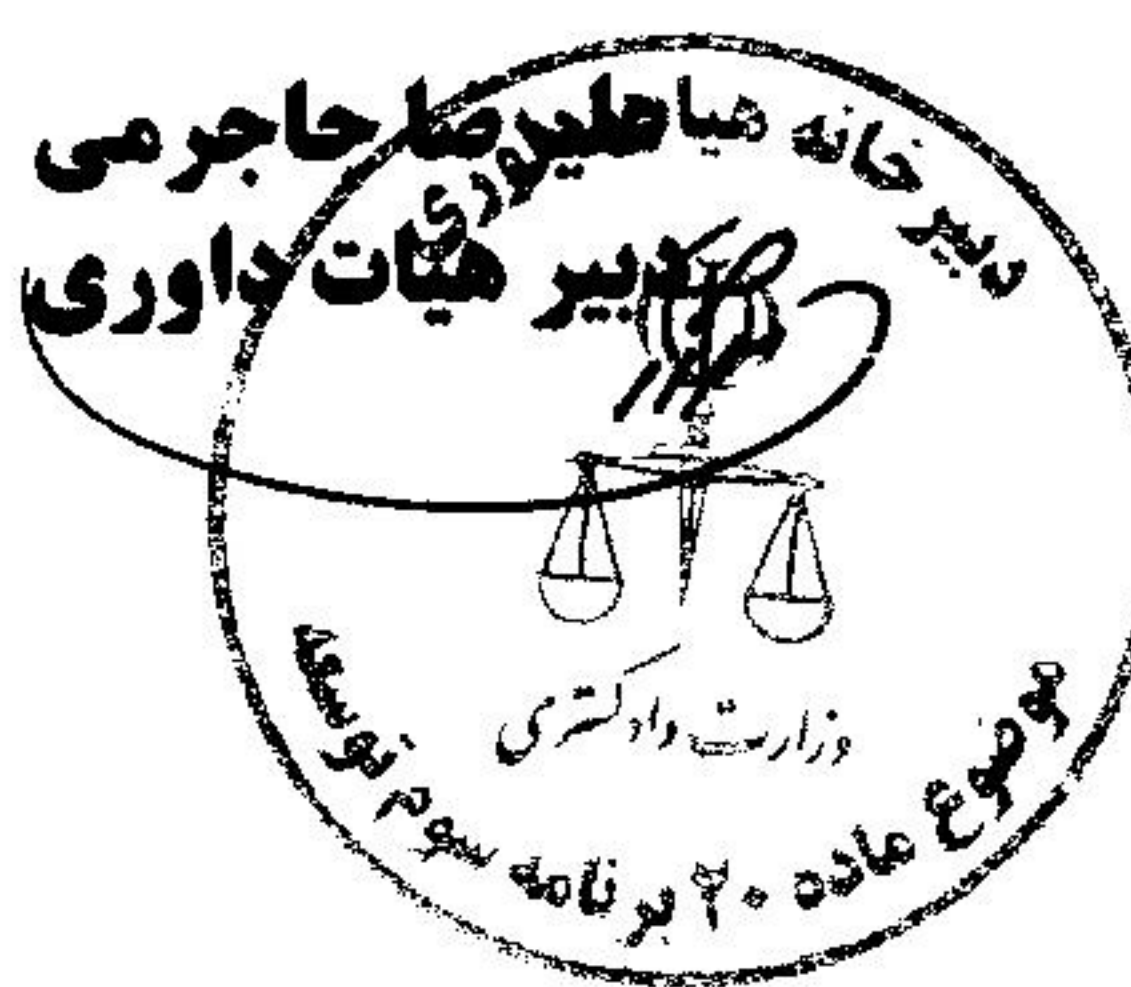
ساختمان شماره ۱۵

سلام علیکم

به پیوست یک نسخه از رأی صادر شده توسط هیأت داورى موضوع ماده

۳۰ قانون اجرای سیاستهای کلی اصل ۴۴ قانون اساسی در پرونده کلاسه

۲۷/۹۷/د/هـ با شماره دادنامه ۱۳ ابلاغ می گردد.



نشانی: ضلع جنوبی میدان ولی عصر، خیابان دمشق، خیابان برادران مظفر شمالی، جنب سفارت عراق،

ساختمان وزارت دادگستری، طبقه ۶ تلفن ۸۸۹۰۳۰۴۹

« فلاتتبعوا الهوی ان تعدلوا »

۲۷/۹۷/۲۷

کلاسه :

۱۳

شماره دادنامه:

۱۳۹۸/۳/۱۱

تاریخ تنظیم :

دادنامه

هیأت دآوری

موضوع ماده ۳۰

قانون اجرای سیاستهای کلی

اصل ۴۴ قانون اساسی

خواهانها: آقایان ۱- محمد ۲- علی و ۳- حسین شهرت همگی قاجار به نشانی: قزوین، خیابان فردوسی شمالی، چهارراه فلسطین، جنب بانک شهر، طبقه دوم رنگ فروشی

خواندگان: ۱- سازمان خصوصی سازی به نشانی: تهران، شهرک قدس، فاز ۱، خیابان مهستان، پلاک ۱۵

مرجع رسیدگی: هیأت دآوری موضوع مواد ۲۰ الی ۲۳ قانون برنامه سوم توسعه تنفیذی در ماده ۳۰ قانون اجرای سیاستهای کلی اصل ۴۴ قانون اساسی

اعضای هیأت: ۱- غلامحسین شافعی ۲- بهمن عبدالهی ۳- حسن سلیمانی ۴- مسعود خوانساری ۵- هوشنگ نادریان ۶- سیدابوالفضل فاطمی زاده ۷- عبدالعلی میرکوهی

خواسته: ۱- صدور رأی مبنی بر لغو و بی اعتباری فسخ سازمان خصوصی سازی درخصوص قرارداد فروش سهام شرکت غله و خدمات بازرگانی منطقه ۷ به شماره ۲۵۱۵۳ مورخ ۱۳۹۵/۱۱/۱۶ و ۲- صدور دستور موقت مبنی بر منع نقل و انتقال سهام توسط سازمان خصوصی سازی با توجه به ورود خسارت غیرقابل جبران به خواهان و نیز حقوق اشخاص ثالث

گردشکار

خواهانها با تقدیم دادخواستی اعلام نمودند که پس از خریداری شرکت غله منطقه ۷ به کلیه تعهدات خود عمل کرده اند با این حال سازمان خصوصی سازی با ارسال اظهارنامه‌ای، فسخ قرارداد واگذاری این شرکت را اعلام نموده و مواردی که عنوان مبنای کسب اطلاعات و تشخیص سازمان خصوصی سازی قرار گرفته، بدون ارائه مستندات و یک طرفه بوده و فاقد اعتبار قانونی است. شکایت های واصله به آن سازمان از طرف کارکنان است که قبلاً جمعی، شرکت غله منطقه ۷ بوده اند اما در خواست اجرای ماده ۲۱ قانون مدیریت خدمات کشوری از دیوان عدالت اداری را داشته و حکم به ادامه رابطه استخدامی آنان با دولت صادر شده و اکنون در نمایندگی های استانی شرکت مادر تخصصی بازرگانی دولتی مشغول به موازی کاری هستند. به علاوه شکایت کارمندان بازنشسته جهت دریافت سنوات متوجه این شرکت نیست زیرا پس از دریافت حکم بازگشت به دولت و در زمانی که تابع شرکت مادر تخصصی بودند بازنشسته شدند و لذا طی صورتجلسه‌ای مقرر شد مقدار طلب سنوات نامبردگان از محل مطالبات شرکت غله و زرین دانه مسعود توسط شرکت مادر تخصصی کسر گردد و شرکت مادر تخصصی رأساً پرداخت سنوات ذخیره خدمتی آنان را انجام دهد. همچنین در مورد کاهش تعداد کارکنان، کلیه کارمندان رسمی و ثابت شرکت غله در دیوان عدالت اداری درخواست ماده ۲۱ قانون مدیریت خدمات

« فلاتتبعوا الهوی ان تعدلوا »

هیأت دآوری

موضوع ماده ۳۰

قانون اجرای سیاستهای کلی

اصل ۴۴ قانون اساسی

دادنامه

کلاسه :

شماره دادنامه:

تاریخ تنظیم :

۲۷/۹۷

۱۳

۱۳۹۸/۳/۱۱

کشوری را نموده و با حکم دیوان در نمایندگی‌های استان شرکت مادر تخصصی، مشغول به کار شده اند اما شرکت غله منطقه ۷ با اعتراض ثالث، قطع رابطه استخدامی آنها را طی احکام قطعی دیوان عدالت به اثبات رسانیده و درخواست بازگشت آنان به جمعی شرکت غله داده شده و تمامی موارد منجر به قطع رابطه همکاری پرسنل با این شرکت، خارج از اراده خواهانها بوده. در رابطه با پرداخت حقوق کارکنان، از زمان واگذاری، تعویق پرداخت حقوق پرسنل جمعی شرکت غله منطقه ۷، کمتر از دو ماه بوده و در زمان تقدیم دادخواست، حقوق آنان تا پایان آذرماه پرداخت شده است. در مورد احد از کارمندان شرکت غله که مسئول حراست شرکت قبل از واگذاری آن بوده، ایشان پس از واگذاری با این شرکت همکاری نداشته و در خدمت نمایندگی شرکت مادر تخصصی استان گیلان است. در خصوص اجاره انبارهای شرکت غله بدون مجوز آن سازمان، باید گفت طی دو سال گذشته اقدامی از سوی سازمان خصوصی سازی و شرکت مادر تخصصی جهت تحویل اموال و املاک شرکت غله به خریداران صورت نگرفته تا امکان اجاره دادن آن وجود داشته باشد و انبار موجود در زمین حاشیه شهر رشت توسط آقای خزرایی سرپرست نمایندگی شرکت مادر تخصصی در گیلان به اجاره داده شده و به عنوان نماینده آن دستگاه دولتی اجاره دریافت می کند. در مورد عدم همکاری با بازرسان، بدلیل عدم تحویل اموال از طرف شرکت مادر تخصصی، سرپرست این نمایندگی در گیلان، آقای یعقوب خزرایی دسترسی به سیستم مالی شرکت غله را مسدود کرده و لذا این شرکت طی مکاتبه با ریاست و نیز دفتر نظارت سازمان خصوصی سازی و بامدیر عامل شرکت مادر تخصصی بازرگانی دولتی، اجازه دسترسی به سیستم مالی را درخواست کرده است. ضمناً شرکت هادی حساب، اشتباهاً به آقای خزرایی در استان گیلان مراجعه و گزارش تهیه کرده، در حالیکه مرکز اصلی شرکت پس از واگذاری به قزوین منتقل شده و کلیه مکاتبات نیز به قزوین ارسال می شود. همچنین سازمان خصوصی سازی در برابر عدم کارسپاری شرکت مادر تخصصی به این شرکت سکوت اختیار کرده و از ظرفیت های قانونی خود جهت کارسپاری به این شرکت استفاده ننموده. خواننده دعوی طی لایه ای این گونه پاسخ داد که: براساس بند یک ماده ۱۱ قرارداد، در صورت تخلف خریداران از تعهدات خود، سازمان حق دارد قرارداد را به صورت یکجانبه فسخ کند. خریداران شرکت غله منطقه هفت تخلفات مختلفی داشته اند، از جمله عدم حفظ سطح اشتغال و تعداد کارکنان شرکت که در بند ۱۱ ماده ۸ قرارداد تأکید شده و براساس آن، کاهش تعداد کارکنان طی دوره نظارت نباید از ده درصد بیشتر شود. در حالی که اکنون تنها ۱۹ نفر در شرکت غله منطقه ۷ فعالیت دارند که آنها نیز دارای احکام استخدامی حقوقی نیستند. همچنین خریداران متعهد به ارائه برنامه کتبی برای حفظ سطح اشتغال به سازمان بوده اند که آن را ایفا نکرده اند. تخلف دیگر، تعویق پرداخت حقوق و دستمزد کارکنان است که پس از اظهارنامه سازمان مبنی بر فسخ قرارداد واگذاری، خریداران نسبت به پرداخت تا پایان آذرماه اقدام کرده اند و برای ۳۶ نفری که با رأی دیوان عدالت اداری در شرکت بازرگانی دولتی مشغول به کار هستند بابت ایام فعالیت در شرکت غله منطقه ۷

«فلاتتبعوا الهوی ان تعدلوا»

۲۷/۹۷/۱۳۹۷

کلاس: ه

۱۳

شماره دادنامه:

۱۳۹۸/۳/۱۱

تاریخ تنظیم:

دادنامه

هیأت داوری

موضوع ماده ۳۰

قانون اجرای سیاستهای کلی

اصل ۴۴ قانون اساسی

حقوق و اضافه کار و حق سنوات پرداخت نشده. ضمن اینکه اگر خریداران شرکت غله، مسئول پرداخت حقوق سنوات کارکنان نیستند، چرا با شرکت مادر تخصصی توافق نمودند که این مبلغ را از محل طلب خریداران که در واقع دارایی آنهاست پرداخت کنند؟ مورد دیگر، عدم همکاری در انجام بازرسی است طبق قرارداد، خریداران موظف به ارائه نسخه ای از گزارش حسابرسی و بازرسی قانونی و صورتهای مالی و صورتجلسات هیأت مدیره و مصوبات مجامع عمومی بوده اند که از انجام آن تخطی کرده اند و با بازرسی ویژه سازمان نیز همکاری نکرده و اطلاعاتی ارائه نداده اند. همچنین خریداران اقدام به اجاره دادن اموال شرکت بدون اخذ مجوز از سازمان خصوصی سازی نموده اند که از آن جمله زمین موسوم به سردخانه است که درخصوص این زمین باید بررسی بیشتری صورت گیرد. به علاوه اینکه به دلیل عدم کارسپاری شرکت مادر تخصصی، شرکت غله امکان فعالیت و نیز درآمد کافی نداشته بی اساس است. زیرا اینکه خریداران در مناقصات برگزار شده از سوی شرکت مادر تخصصی برنده نشده اند و در نتیجه کاری به آنها سپرده نشده، را نمی توان به عنوان تقصیر شرکت مادر تخصصی قلمداد کرد و توجیهی برای نقض تعهدات قراردادی نیست. پس از تبادل لوایح جلسه داوری با حضور داوران برگزار شد و طرفین به بیان ادعاهای و دلایل خود پرداختند. هیأت داوری پس از استماع اظهارات و بررسی ادله طرفین، با اعلام ختم رسیدگی به شرح زیر مبادرت به صدور رأی می نماید.

«رای هیأت داوری»

درخصوص دعوی آقایان ۱- محمد ۲- علی ۳- حسین شهرت همگی قاجار علیه سازمان خصوصی سازی به خواسته، صدور رأی بر لغو و بی اعتباری فسخ قرارداد واگذاری شماره ۲۵۱۵۳ مورخ ۱۳۹۵/۱۱/۱۶ اعلام شده توسط سازمان خصوصی سازی بعلاوه صدور دستور موقت مبنی بر جلوگیری از هرگونه نقل و انتقال سهام شرکت مذکور تا زمان صدور حکم و قطعیت آن.

هیأت داوری اولاً- از جهت دستور موقت قبلاً اتخاذ تصمیم و مبادرت بصدور دستور مذکور نموده ثانیاً- نسبت به اصل دعوی خواهانها، نظر باینکه خوانده مدعی است علت فسخ قرارداد واگذاری مذکور ۱- عدم حفظ سطح اشتغال توسط خواهانهاست. ۲- عدم همکاری خریداران با بازرسان سازمان خصوصی سازی ۳- تعویق در پرداخت حقوق کارکنان شرکت موضوع واگذاری می باشد که از جهت حفظ نشدن سطح اشتغال توسط خریداران، با توجه به مندرجات پرونده و مدارک و دلائل ارائه شده از جانب طرفین دعوی تعداد ۳۶ نفر از کارکنان شرکت با تمایل خود و علیرغم مخالفت خریداران شرکت از طریق مراجعه به دیوان عدالت اداری و ارائه دادخواست و نهایتاً با رأی دیوان مزبور از شرکت منفک و در شرکت مادر تخصصی ادامه اشتغال داده اند که رأی مذکور مورد اعتراض خواهانها واقع شده و هنوز تعیین تکلیف نهایی نگردیده

« فلاتتبعوا الهوی ان تعدلوا »

هیأت دآوری

موضوع ماده ۳۰

قانون اجرای سیاستهای کلی

اصل ۴۴ قانون اساسی

دادنامه

کلاسه :

۲۷/۹۷/۵/۶

شماره دادنامه:

۱۳

تاریخ تنظیم :

۱۳۹۸/۱۱/۱۱

بعلاوه دلایل و مدارک موجود در پرونده و اظهارات و دفاعیات طرفین دعوی دلالت دارد خواهانها از ابتدای خریداری شرکت مزبور برای حفظ کارکنان شرکت و تحویل اموال منقول و غیر منقول آن تلاش زیادی نموده اند ولی بلحاظ عدم همکاری شرکت مادر تخصصی موفق به تحویل اموال و مدارک شرکت و حفظ کارکنان آن نشده اند. حتی سازمان خصوصی سازی نیز علیرغم پیگیری مکرر موفق به ایفاء تعهدات خود در قبال خریداران شرکت نشده، در نتیجه از جهت عدم حفظ سطح اشتغال دلیل کافی علیه خواهانها ارائه نگردیده و نقض تعهد موضوع بند ۱۰ ماده ۸ قرارداد واگذاری مبنی بر عدم حفظ سطح اشتغال کارکنان از جانب خریداران شرکت احراز نمی شود. در مورد همکاری خریداران با بازرسان سازمان خوانده نیز، با توجه به مندرجات پرونده و توضیحات خواهان و عدم ارائه دلیل و مدرک مؤثر توسط خوانده مشخص است تا آن زمان و حتی بعد از آن شرکت موضوع واگذاری تحویل خریداران نشده تا امکان بازرسی و همکاری خریداران با بازرسان سازمان خصوصی سازی میسر شود و از این جهت نیز نقض عهدهی از جانب خواهانها واقع نشده و قابل قبول نمی باشد. در مورد به تعویق افتادن حقوق کارکنان شرکت واگذار شده نیز، صرفنظر از مراتب فوق و اینکه خواهانها اعلام کرده اند، با تأخیر کوتاه، مطالبات کارکنان را پرداخت کرده اند، اصلاً این مطلب جزو شرایط و تعهدات قرارداد واگذاری نیست ولو با فرض صحت چنین موضوعی، نقض تعهد محسوب نمی شود. بنابراین از طرف خریداران شرکت (خواهانها) نقض هیچ تعهد یا شرطی از قرارداد واگذاری محرز نمی باشد و در نتیجه حق فسخ موضوع ماده ۱۱ قرارداد واگذاری برای سازمان خصوصی سازی محقق نگردیده، حکم به لغو و بی اعتباری فسخ اعلام شده از جانب خوانده صادر و اعلام می شود. رأی صادر شده حضوری و ظرف ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ قابل اعتراض در دادگاه عمومی تهران خواهد بود.

هوشنگ نادریان

عبدالعلی میرکوهی

حسین سلیمانی

مسعود خوانساری

بهمن عبدالمهدی

سید ابوالفضل فاطمی زاده

